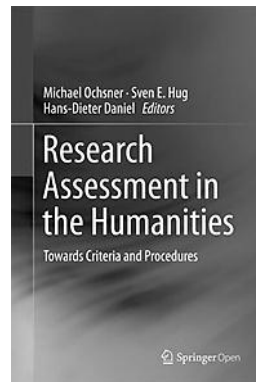


## معرفی کتاب



### ارزیابی پژوهش در علوم انسانی: معیارها و روش‌ها

فرزانه قنادی نژاد\*

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

**Ochsner, Michael; Hug, Sven E.; Daniel, Hans-Dieter (2016). Research Assessment in the Humanities: Towards Criteria and Procedures. America: Springer. 247 p. ISBN 978-3-319-29014-0**

در طول دهه‌های گذشته، شاهد رواج روش‌های کمی، برای ارزیابی پژوهش‌ها، به ویژه در حوزه‌های علوم طبیعی و مهندسی بوده‌ایم. با وجود این که روشن است که این روش‌های کمی، نمی‌تواند در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی کاربرد داشته باشد، اما با این حال، هنوز فشارها بر این حوزه‌ها وجود دارد که خود را با روش‌ها و معیارهایی که برای ارزیابی پژوهش‌ها در علوم طبیعی استفاده می‌شود، سازگار سازند.

فشاری که بر روی پژوهشگران علوم انسانی و علوم اجتماعی وجود داشته تا ارزیابی پژوهش‌های خود را به صورت کمی انجام دهند، منجر به واکنش‌های اعتراض‌آمیزی از سوی انجمن‌های این حوزه‌ها شده است. این اعتراضات باعث شد تا پژوهش‌های مختلفی بر روی این موضوع آغاز شود. همزمان با این اعتراضات، کتاب *ارزیابی پژوهش‌ها در علوم انسانی: به سوی معیارها و روش‌ها* در جهت توجه به ایجاد روش‌ها و معیارهایی که برای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی مناسب باشد، توسط انتشارات اشپرینگر به چاپ رسیده است.

\* نویسنده‌ی مسئول f\_ghanadinezhad@yahoo.com

ویراستاران این کتاب (مایکل اوکسنر<sup>۱</sup>، سون ای. هاگ<sup>۲</sup> و هانس-دیتر دانیل<sup>۳</sup>)، با همکاری ۲۵ نفر از پژوهشگران مشهور بین المللی که دارای رتبه‌های دانشگاهی و پیش‌زمینه‌های مختلف در علوم انسانی و علوم اجتماعی هستند، به تألیف این کتاب پرداخته‌اند. تألیف این کتاب از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به طول انجامید و در پنج بخش و ۱۷ فصل تنظیم شده است:

بخش اول، از یک سو، شرایط نگارش کتاب را تشریح می‌کند، و از سوی دیگر، شامل مطالعات تجربی در خصوص چگونگی داوری‌ها در علوم انسانی و تفکرات پژوهشگران این حوزه‌هاست. علاوه بر این، دلایلی را بیان می‌نماید که بر اساس آن‌ها، رشته‌های علوم انسانی باید ارزیابی‌های خود را خود به دست گیرند. بخش اول شامل چهار فصل به شرح زیر است:

در فصل اول، یک مطالعه موردی که در آن از روش‌های کتاب‌سنجی در ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی استفاده شده بود، مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شد که به کارگیری این روش‌ها در علوم انسانی دشوار است. پروژه‌ای انجام شد تا ابزارها و روش‌های جایگزینی مورد بررسی قرار گیرد که در آنها جنبه‌هایی اندازه‌گیری می‌شدند که سنجش آنها توسط روش‌های سنتی کتاب‌سنجی، امکان‌پذیر نبود.

فصل دوم، به این مبحث اختصاص یافته است که علوم انسانی باید سیستمی را ایجاد نمایند که بتوانند پژوهش‌های خود را ارزیابی کنند تا توسط سیستم‌های دیگری که با ماهیت پژوهش‌های انسانی همخوانی ندارند، مورد ارزیابی قرار نگیرند.

فصل سوم، به مسأله چگونگی ارزیابی پژوهش‌ها توسط پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی در پنل‌های تخصصی داوری اختصاص دارد. بنابراین، اشتراکات و افتراقات بین روش‌های مختلف علوم انسانی و علوم اجتماعی در چگونگی ارزیابی پژوهش‌ها به وسیله‌ی قواعد غیر رسمی<sup>۴</sup> را بیان می‌کنند و تأثیر سیستم‌های ارزیابی بر روی این قواعد را ذکر می‌نمایند.

فصل چهارم به این مسئله پرداخته که پژوهشگران علوم انسانی، چه درکی از کیفیت پژوهش‌ها دارند. نویسندگان اشاره کرده‌اند که چنانچه بخواهیم پژوهش‌ها در علوم انسانی را به صورت درست و مناسبی ارزیابی کنیم، باید گستره وسیعی از معیارهای کیفی را مد نظر قرار دهیم. آنها همچنین نشان دادند که اکثریت پژوهشگران علوم انسانی، روش‌های ارزیابی که صرفاً کمی هستند را رد می‌کنند.

بخش دوم، متمرکز بر رتبه‌بندی انتشارات و بانک‌های انتشاراتی<sup>۵</sup> است. انتشارات در قلب کارهای علمی جای دارند. بنابراین، اغلب برای ارزیابی پژوهش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند که این کار معمولاً با شمارش ساده‌ی تعداد یک واحد یا با رتبه‌بندی‌های پیچیده کانال‌های انتشاراتی انجام می‌شود. بررسی‌ها بیانگر آن بود که در خصوص انتشارات علوم اجتماعی، علوم انسانی و حقوق، با خلأ اطلاعاتی روبه‌رو هستیم. ایجاد یک بانک داده برای انتشارات علوم اجتماعی، علوم انسانی و حقوق می‌تواند پژوهش‌های این حوزه‌ها را بیش‌تر دسترس‌پذیر کند و فرایند بازایی اطلاعات را بهبود بخشد. همچنین به صورت همزمان می‌تواند به رهبران پژوهش‌ها در ارزیابی این پژوهش‌ها یاری رساند.

در فصل اول این بخش، گزارشی از چندین نفر از بنیان‌گذاران پژوهش‌های ملی ارائه می‌شود تا یک بانک داده را برای علوم اجتماعی و علوم انسانی ایجاد نماید. همچنین الزاماتی که برای ایجاد یک بانک داده جامع لازم است که بتواند برای علوم اجتماعی، علوم انسانی و حقوق مفید باشد نیز توصیف می‌شود.

در فصل دوم، این بانک داده در قابل مدلی در سطح ملی مطرح می‌شود. این بانک، پژوهش‌های علوم انسانی را قابل رؤیت ساخته و امکان بازایی آثار منتشر شده از طریق این بانک داده، فراهم می‌شود.

فصل سوم اشاره دارد که در اکثر موارد، انتشارات صرفاً شمارش نمی‌شوند، بلکه بر اساس ارزش علمی که دارند، توزین نیز می‌شوند.

1. Michael Ochsner  
 2. Sven E. Hug  
 3. Hans-Dieter Daniel  
 4. Informal rules  
 5. Publication database

در فصل چهارم این بخش، یک پروژه پژوهشی تحت عنوان شاخص‌های کیفیت پژوهشی در نظام‌های دانشگاهی اروپا<sup>۱</sup> انجام شده است که مأموریت آن، توسعه رویکردهای جدید برای ارزیابی کیفیت آثار پژوهشی بود. در این فصل، اشاره شده که روش‌های سنتی ارزیابی کیفیت آثار پژوهشی، به شدت وابسته به روش‌های رتبه‌بندی بر اساس استنادات و ضریب تأثیر مجلات است. این پروژه برای ترکیب روش‌های ارزیابی و شاخص‌های مختلف برای تسهیل بررسی‌ها و همچنین بالا بردن شفافیت فرایندهای ارزیابی مطرح شده است.

بخش سوم به موضوع کتاب‌سنجی در علوم انسانی می‌پردازد. این بخش محدودیت‌ها و مزایای بالقوه‌ای را بررسی خواهد کرد که در صورت استفاده از روش‌های کتاب‌سنجی در پژوهش‌های علوم انسانی با آنها مواجه خواهیم شد. فصل اول این بخش، ابزارهای مدرن کتاب‌سنجی در علوم انسانی را تشریح می‌کند. در این فصل اشاره شده که هر چند از کتاب‌سنجی، نمی‌توان به آسانی برای ارزیابی پژوهش‌ها در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی استفاده نمود، با این حال، می‌توان از آن به گونه‌ای که با این علوم سازگار شده باشند، به عنوان ابزاری مکمل برای ارزیابی‌ها بهره برد. در فصل دوم، به این مسئله پرداخته شده که چرا نمی‌توان از تجزیه و تحلیل کتاب‌ها و مراجع در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی استفاده نمود. به نظر می‌رسد پژوهشگران این حوزه، آثار سایر پژوهشگران این حوزه را مطالعه نمی‌کنند یا حداقل در آثار خودشان، به آنها استناد نمی‌کنند. به منظور اثبات این ادعا، رفتار استناددهی پژوهشگران این حوزه بررسی و نشان داده شده که ارزیابی عملکرد پژوهش‌ها با استفاده از تجزیه و تحلیل کتاب‌ها در این علوم، امکان‌پذیر نیست. بخش چهارم به ارزیابی‌های پیشین پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در عمل می‌پردازد و روش‌های خاص در ارزیابی‌های مربوط به علوم انسانی را مطرح می‌کند.

با توجه به این که ارزیابی پژوهش‌ها با استفاده از کتاب‌سنجی، (هنوز) در علوم انسانی امکان‌پذیر نیست، بنابراین پژوهش‌های این حوزه، بر اساس قواعد خود مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. فصل اول از این بخش، روش‌هایی را بیان می‌کند که پژوهش‌های علوم انسانی در عمل، مطابق با آنها ارزیابی می‌شوند و نشان می‌دهد که این ارزیابی‌ها به چه شکلی هستند. در فصل دوم این بخش، گزارشی ارائه شده است که در بنیاد فولکس واگن<sup>۲</sup>، که یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات سرمایه‌گذاری خصوصی برای پژوهش‌ها در اروپا است، پژوهش‌های علوم انسانی چگونه مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. آنها پیشنهاد کردند که ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی، بر اساس چهار شاخص انجام شود: زیرساخت<sup>۳</sup>، نوآوری<sup>۴</sup>، بین‌رشته‌ای بودن<sup>۵</sup> و بین‌المللی بودن<sup>۶</sup>.

فصل سوم از این بخش، روش‌های ارزیابی در فرانسه را تبیین می‌نماید. در این فصل پس از توضیح فعالیت‌های ارزیابی انجام گرفته توسط بازیگران کلیدی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در فرانسه، دو پروژه در حال اجرا تشریح می‌شود که به درک ویژگی‌های پژوهش‌های علوم انسانی در فرانسه کمک می‌کند.

بخش پنجم بر روی یک روش پیشین در ارزیابی این پژوهش‌ها تمرکز دارد که اکنون به‌طور کامل طراحی مجدد شده تا با نیازهای مربوط به ارزیابی‌های علوم انسانی همسو شود: امتیازدهی پژوهش‌های انجام شده تحت عنوان انگلیستیک و امریکانیستیک<sup>۷</sup> که توسط شورای علوم و علوم انسانی آلمان<sup>۸</sup> انجام شده بود.

فصل اول، فرایندی را که برای استخراج یک روش امتیازدهی مقبول برای علوم انسانی از سوی گروهی از متخصصین این حوزه اجرا شده است را توصیف می‌نماید.

1. European Educational Research Quality Indicators (EERQI)
2. Volkswagen
3. Infrastructue
4. Innovation
5. Interdisciplinarity
6. Internationality
7. Anglistik/Amerikanistik
8. German Council of Science and Humanities

فصل دوم، دیدگاه‌های موافق و مخالف برای مشارکت در فعالیتهای امتیازدهی از نظر رؤسای دو انجمنی که در آن شرکت کردند، یعنی انجمن آلمانی برای مطالعات انگلیسی و انجمن آلمانی برای مطالعات آمریکایی را نشان می‌دهد.

فصل سوم، روش دقیق امتیازدهی به پژوهش‌های انگلیستیک/امریکانیستیک را تشریح نموده و نتیجه می‌گیرد که امتیازدهی به پژوهش‌ها برای ارزیابی پژوهش‌ها مناسب است. در ادامه، انتقادات و نگرانی‌هایی که در امتیازدهی وجود داشته و همچنین مزایای آن مطرح می‌شود.

فصل چهارم، یک تحلیل تجربی از امتیازدهی‌های انجام شده در پژوهش انگلیستیک/امریکانیستیک را بیان می‌کند. تحلیل‌های نویسنده نشان از قابلیت اطمینان بالا در امتیازدهی به پژوهش‌ها دارد.